

حکمت

امام هادی (ع)

بر زیردستان خشمگین شدن نشانه پستی است.

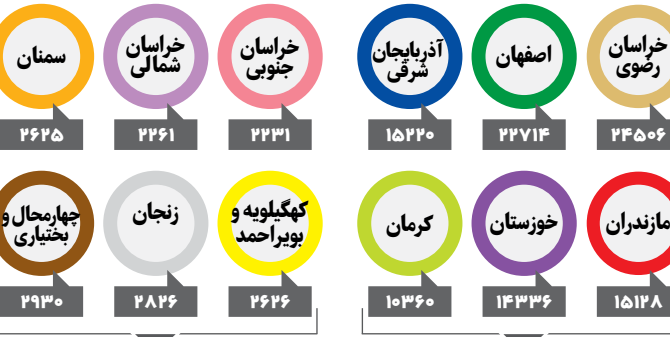
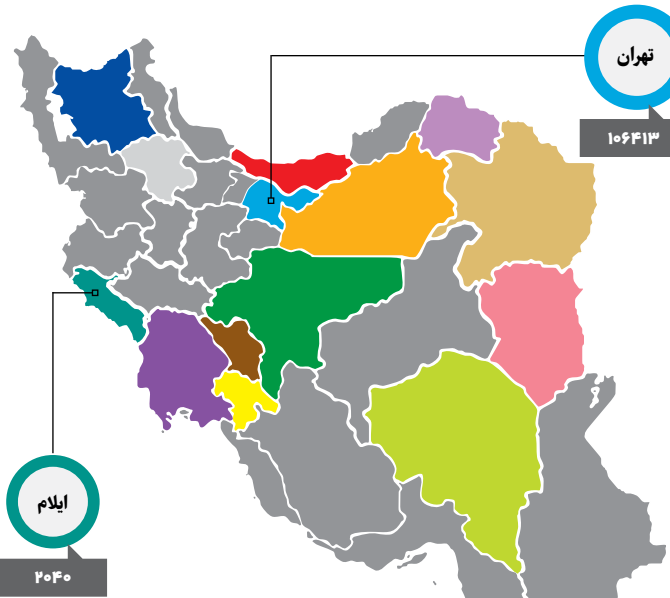
بحارالانوار

نکته روز

جغرافیای طبابت

توزیع مکانی پزشکان در استان‌های مختلف ایران چگونه است؟

موضوع کمبود پزشک در ایران موضوع مهم و پرچالشی است، چرا که این وضعیت به کاهش خدمات سلامت می‌انجامد و پیامد نهایی آن بیماری‌ها خواهند بود که به این واسطه جان‌شان مورد تهدید قرار می‌گیرد. در رابطه با این وضعیت اما استدلال اولیه این چالش به میزان پراکندگی و توزیع پزشکان در ایران بازمی‌گشته است. به این معنا که کارشناسان این حوزه معتقد بودند دلیل اصلی این کمبود به عدالت پراکندگی پزشکان برمی‌گردد به این معنا که همه پزشکان علاقه دارند در تهران طبابت کنند و همین موضوع باعث کمبود پزشک در نقاط دیگر ایران شده است. آمارهای ثبت شده در سازمان نظام پزشکی به خوبی صحت این استدلال را نشان می‌دهد.



استان‌هایی با کمترین تعداد پزشک

استان‌هایی با بیشترین تعداد پزشک

جام جم



مربی روی دست، اخلاق در آفساید

پیامدهای اخلاقی برکناری مربی تیم ملی فوتبال ایران چیست؟

دکترگویی استاندار پیشین خوزستان در برابر مردم سیل‌زده اهواز رایای بی‌اخلاقی او بنویسیم؟ «خودت بمال» وزیر پیشین بهداشت و درمان در برابر مردی که از گرانی هزینه فیزیوتراپی گله می‌کند پس آسمش چیست؟ چند قدم که عقب‌تر بگذارد دایره برخورد‌های تحقیرآمیز، گستره بیشتری پیدا می‌کند و این فهرست طولانی‌تر می‌شود. حرف زدن از لزوم اخلاق در جامعه بدیهی‌تر از آن است که بخواهد عنوان شود، چراکه اساساً بی‌حرمتی و رفتار ازنباتی ناخشنودکننده چه رفتار بین‌شخصی باشد چه با عموم جامعه، فی‌نفسه غیر اخلاقی است. احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه و کلام اسلامی معتقد است، می‌توان با یک پرسش از خود، معیار این بی‌اخلاقی را سنجید. او به جام‌جم می‌گوید: «طبق قاعده طلایی اخلاق باید پرسید آیا من بر خودم می‌پسندم که چنین برخوردی با من صورت بگیرد؟ پاسخ به این سؤال ملاک بسیار ساده‌ای در رابطه با جایگاه ما در برابر چنین مسائلی است.» به‌باور او برخورد‌های تحقیرآمیز، غیرهمدلانه و روابط ناخشنودکننده فی‌نفسه غیر اخلاقی است. برکناری دور از اخلاق یک مربی شاید در نگاه عام مردم اتفاقی عادی باشد اما پیامدهای این بی‌اخلاقی را احتمالی می‌توان در میزان اعتماد عمومی دید. این نوع رفتارها پیامدهای ناخوشایندی در جامعه دارد که به گفته قراملکی «از جمله این پیامدها از بین رفتن اعتماد عمومی و ساده‌سازی زشتی این رفتار در جامعه است.» ما می‌توانیم هوادار مربی‌ای به نام کارلوس کی‌روش و البته می‌توانیم منتقد سرسخت اسکوچیچ باشیم؛ در این گزاره هاشکی نیست. حال‌ام از این تغییر مربی احتمالاً خوشحال هستیم و البته می‌دانیم تغییر مربی در فاصله کوتاه مانده به جام جهانی اتفاق بی‌سابقه‌ای در جهان هم نیست اما شیوه و نوع این برکناری می‌تواند محل بحث باشد. جام جهانی سال گذشته فدراسیون فوتبال اسپانیا دو روز مانده به آغاز مسابقات، مربی تیم ملی اسپانیا را برکنار کرد و دلیل آن بستن قرارداد این مربی با یک تیم باشگاهی پیش از مسابقات بود. آنها باور داشتند این کار خلاف منافع ملی آن کشور در مسابقات بوده اما ابتدا با توهمین مربی را برکنار کردیم. بعد با یاری دوباره او اسر کار برگردانیم و در نهایت دوباره در فاصله چند هفته از ابقای او دوباره او را کنار گذاشتیم! این شیوه هر طور که باشد اخلاقی نیست.

اتفاقات اخیر در فدراسیون فوتبال، مخالفان و موافقان بسیاری داشت. پس از انتخاب عجیب مهدی تاج برمسند فدراسیون فوتبال، او در اولین گام، مربی وقت تیم ملی را برکنار کرد و در حالی‌که کمتر از ۷۰ روز به آغاز جام جهانی فوتبال باقی‌مانده، هدایت تیم ملی را به کارلوس کی‌روش سپرد. این خلاصه اتفاقاتی است که در فدراسیون فوتبال افتاد اما بحث‌های مختلفی در این میان شکل گرفت؛ بحث‌هایی که از حوزه ورزش بیرون زد و به حوزه اخلاق کشیده شد. آنها که موافق برکناری مربی کنونی و جایگزینی کی‌روش بودند باور داشتند این تصمیم به لحاظ فنی تصمیم درستی است اما ما جرافقط فنی نیست. اغلب موافقان این تصمیم هم در کنار این باور معتقد بودند به لحاظ اخلاقی برکناری یک مربی در فاصله نزدیک به جام جهانی درست نیست؛ آن هم مربی‌ای که اتفاقاً کارنامه قابل قبولی به لحاظ ورزشی دارد و حضور در جام جهانی می‌تواند افتخاری برای او رقم بزند. همه اینها در حالی است که اغلب کارشناسان ورزشی معتقدند این تغییر و جابه‌جایی اساساً در نتایج تیم ملی در جام جهانی چندان هم موثر نخواهد بود. آنها که دقیق‌تر به این رویه نگاه کرده‌اند، می‌گویند اتفاقاً پیامد این بی‌اخلاقی سازمانی در این اتفاق می‌تواند ناگوارتر از نتایج مثبت احتمالی آن در حوزه ورزش باشد. سؤالی که شکل می‌گیرد این است که اساساً ما چقدر معتقد به لزوم اخلاق در نظام اداری خود هستیم؟ اگر کلی‌تر نگاه کنیم مصادیق فراوانی وجود دارد که نشان از جایگاه نامناسب ما در بدنه نظام مدیریتی کشور دارد. این‌که کمتر مسئولانی در برابر اتفاقات مدیریتی حاضر به عذرخواهی بودند یا در برابر سوءمدیریت هایشان استعفا داده‌اند از مصادیق آن است. توهمین کلامی سختگوی وقت سازمان غذا و دارو و مسئول روابط عمومی وزارتخانه بهداشت و درمان به منتقدان نظام و اکسی‌سایون عمومی عجیب بود؟ سیلی نماینده مجلس به سرباز راهور چطور؟ نوع نشستن عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان محیط زیست ایران در برابر خبرنگاران حادثه‌دیده و دادگار را باید یک اتفاق بدانیم؟ تسبیح‌گردانی و



میشم اسماعیلی
روزنامه‌نگار

امروز در تاریخ

- زادروز آگاتا کریستی، نویسنده انگلیسی / ۱۸۹۰
- وفات دکتر عبدالحمین زرین‌کوب / ۱۳۷۸
- سالمرگ جهانگیر قشقایی، عالم نامدار / شیعہ / ۱۲۸۹
- زادروز مارکوپولو، کاشف و جهانگرد ایتالیایی / ۱۲۵۴



واحه

نمی‌خلد به دلی ناله شکایت من
شکست شیشه من بی‌صداست همچو حباب
صائب تبریزی

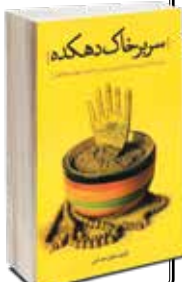
اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۳:۰۰	غروب آفتاب: ۱۹:۱۲
اذان مغرب: ۱۹:۳۰	نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۷
اذان صبح (فردا): ۵:۲۳	طلوع خورشید (فردا): ۶:۴۲

پیشخوان

سر بر خاک دهکده

آیین پیاده روی اربعین طی یک دهه گذشته بستر مناسبی برای روایتگران ساخته است. در این سالها هم روایت‌های بسیاری مکتوب و منتشر شده‌اند. شیوه روایی این کتابها هم قابل توجه است، گاه به سرفنامه شبیه است و گاه به آثاری داستانی بدل شده‌اند. «مگر یک شهر چقدر ظرفیت دارد؟ نکند این سیل جمعیت که لاید از صبح همین شکلی بوده، از این طرف شهر وارد می‌شود و به همین حالت از آن طرف شهر خارج می‌شود؟ شاید هم این چند روز شهر گشاد می‌شود و جا باز می‌کند؟ بعید هم نیست! شاید این ایام، امام حسین کربلا را می‌سپارد به علمدارش، شهردار که او باشد، دیگر همه چیز ممکن است. شهر اندازه یک کشور، کنش کنی آید و بعد که همه را بغل کرد، فشارشان می‌دهد. آن قدر به هم نزدیک‌شان می‌کند که دل‌هایشان به هم گیر کند.» اینها بخشی از کتاب سر بر خاک دهکده، روایت سفر فائزه غفرانحدادی از پیاده‌روی اربعین است که در قطع رقعی و ۱۶۸ صفحه به رشته تحریر درآمده و در آستانه اربعین حسینی توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار نشر شده است. کتاب سر بر خاک دهکده، روایت سفر یک بانوی نویسنده با چهار بادیگارد قد بلندش از پیاده‌روی اربعین است. زنی که روزی به دهکده خاک بر سر سفر کرده، حالا به دهکده‌های سفر می‌کند که دوست دارد سر بر خاکش بگذارد. دهکده‌ای که شهردارش همان علمدار کربلاست. از سفری می‌نویسد که سراسر رحمت است و جذبه، رحمتی واسعه از سفره ارباب که در عالم پهن شده و جاذبه‌ای مغناطیسی که کل عالم را به خود مجذوب کرده است. این کتاب روایتی است جذاب و خواندنی از پیاده‌روی اربعین، کتابی ملازم با اشک و خنده توانان.



پرسه

سینما از نفس افتاد

ژان لوک گدار، کارگردان سرشناس فرانسوی - سوئیس و از چهره‌های مطرح و پیشگام موج نوی سینمای فرانسه در ۹۱ سالگی درگذشت. او فارغ التحصیل مردم‌شناسی از دانشگاه سوربن بود اما علاقه‌اش موجب شد همراه گروهی از دوستانش مثل کلود شابرول، فرانسوا تروفو و اریک رومر، به سمت هنر هفتم گرایش پیدا کند و به سخت‌وجو درباره قابلیت‌های نهفته سینما بپردازد. اولین فیلم بلند داستانی گدار «از نفس افتاده» بود که سال ۱۹۵۹ بر اساس داستانی از فرانسوا تروفو با بازی ژان بلوندو ساخت. از ژان لوک گدار به عنوان یکی از آخرین بازمانده‌های موج نو سینمای فرانسه یاد می‌شد، البته او مخالفان نام‌آشنای بسیاری داشت که در صدر آنها اینگمار برگمان است.



حبیبی شکر! پیامی برای وحدت

اربعین امسال حال و هوای دیگری دارد. پس از دو سال که محدودیت‌های کرونا باعث دور ماندن عشاق سیدالشهدا شده بود حالا آنها در راه رسیدن به کربلا هستند. همزمان با این روزها که زوار ایرانی در مشایه نجف به کربلا در حال طی مسیر هستند، نم‌آهنگی برای قدردانی از رحمت و مهمان‌نوازی عراقی‌ها با صدای محمد حسین یویانفر منتشر شد. نم‌آهنگ «حبیبی شکر!» پیام وحدت، همدلی و برادری ایرانی‌ها به عراقی‌هاست که سیدجواد برثی شاعر، محمدعلیق تنظیم و میکس، یوسف الشوی مدیر تولید، احمد دغدیا کارگردان و طاهیا چوگان‌باز تهیه‌کننده آن هستند. همزمان با انتشار این نم‌آهنگ پویش تشکر از موکب‌داران عراقی با عنوان حبیبی شکر! در مسیر پیاده‌روی اربعین نیز راه‌اندازی شد.



برای دیدن این ویدئو
کیوارکد زیر را
اسکن کنید



پرواز ممنوع

آسمان ایران چند سال است برای پرندگان ناامن شده و هرپار که حرف از شکار و صید بی‌رویه پرندگان به میان می‌آید به یاد کشتار گسترده سالانه بیش از ۱/۵ میلیون پرندۀ مهاجر در فریدونکنار می‌افتیم اما این قصه محدود به مهاجران آسمان شمال ایران نیست و پرندگان شکاری هم در فصل مخصوص خود به دام صیادانی می‌افتند تا در برابر پرداخت مبالغی قابل توجه به شیوخ عرب هبه شوند. بنا به منطقه‌های مختلف، فصل زنده‌گیری پرندگان شکاری متفاوت است و فصلی که به نام باگزیری معروف شده در آسمان دشت‌های سیستان و بلوچستان و جنوب غربی ایران، آبان و آذر فصل باگزیری محسوب می‌شود و این زمان در مناطق لرستان از شهرپور کلید می‌خورد.



برای دیدن این ویدئو
کیوارکد زیر را
اسکن کنید



کات به مفاخر

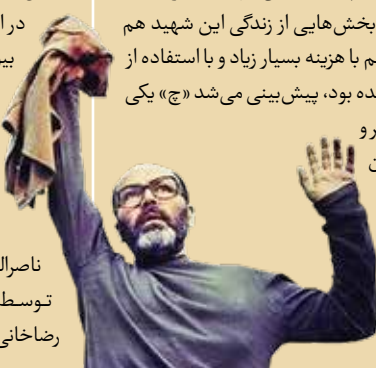
آیا فیلم‌های بیوگرافی در سینمای ایران مخاطب ندارند؟

«رویای سهراب» آخرین تلاش سینمای ایران در گونه بیوگرافی است که کمتر از ۲۰ روز روی پرده بود و نتوانست بیشتر از ۵۵ میلیون تومان بفروشد؛ فیلمی که روایت زندگی سهراب سپهری از مشهورترین شاعران معاصر است. این روند می‌تواند سوال‌برانگیز باشد که آیا فیلم‌های بیوگرافی در سینمای ایران مخاطب ندارند؟ سینمای بیوگرافی یا

زندگی‌نامه، یکی از مهج‌ترین و پرمخاطب‌ترین گونه‌های سینمایی در سراسر جهان است. گونه‌ای که نه تنها در اکران مردمی مورد استقبال قرار می‌گیرد بلکه در جشنواره‌های سینمایی بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته و افتخارآفرینی‌های بسیاری را رقم می‌زند. آخرین نمونه این افتخارآفرینی‌ها، به فیلم تار در جشنواره ونیز برمی‌گردد که علاوه بر

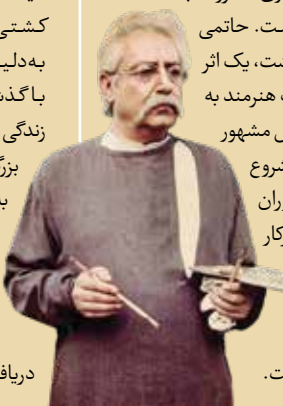
چ - ابراهیم حاتمی‌کیا

ابراهیم حاتمی‌کیا که یکی از برجسته‌ترین کارگردان‌های فیلم‌های دفاع مقدس است در سال ۹۱ تصمیم گرفت، فیلمی براساس زندگی شهید مصطفی چمران بسازد. در نهایت «چ» براساس ماموریت چند روزه این شهید در کردستان ساخته شد و در دل آن با فلاش بک، بخش‌هایی از زندگی این شهید هم نمایش داده می‌شد. از آنجا که این فیلم با هزینه بسیار زیاد و با استفاده از تکنیک‌های ویژه فیلم‌سازی ساخته شده بود، پیش‌بینی می‌شد «چ» یکی از فیلم‌های موفق در جشنواره فیلم فجر و گیشه باشد اما این اتفاق نیفتاد. داستان «چ» در اواخر مرداد ۱۳۵۸ در منطقه پاهو کردستان می‌گذرد. در این تاریخ تجزیه طلبان در تلاش بودند با ایجاد درگیری‌های داخلی و مبارزه با دولت مرکزی به خود مختاری برسند.



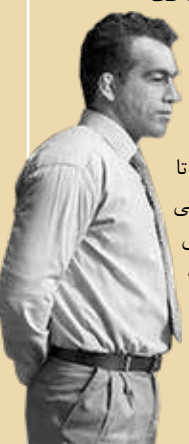
کمال الملک - علی حاتمی

فیلم «کمال الملک» پس از سریال «هزارستان» برجسته‌ترین اثر تاریخی علی حاتمی محسوب می‌شود. این فیلم داستان زندگی محمد غفاری معروف به کمال الملک از نقاشان برجسته عصر قاجار و پهلوی اول است. حاتمی در این اثر با پختگی تمام و اشرافی که بر تاریخ و هنر داشت، یک اثر بیوگرافی را با تکیه به ابعاد تاریخی و سیاسی زندگی یک هنرمند به تصویر کشید. کمال الملک از دوران کودکی این نقاش مشهور در سال‌های ابتدایی سلطنت ناصرالدین‌شاه شروع می‌شود، دوران اوج شهرت و محبوبیت او را در دوران قاجار نشان می‌دهد و با تبعید و مرگش در زمان برسرکار آمدن رضاهلوی به پایان می‌رسد. قتل ناصرالدین‌شاه، امضای فرمان مشروطه توسط مظفرالدین‌شاه و دیکتاتوری رضاخانی از دیگر مسائلی است که این فیلم به آن پرداخته است.



تختی - بهرام توکلی

مرحوم علی حاتمی در دهه ۷۰ مشغول ساخت فیلمی بر مبنای زندگی غلامرضا تختی، کشتی‌گیر مشهور و محبوب ایرانی بود که به دلیل بیماری سرطان فیلمش ناتمام ماند. با گذشت ۲۰ سال، بهرام توکلی تصمیم گرفت زندگی این کشتی‌گیر و فرمان جهان را از کودکی تا بزرگسالی به تصویر بکشد. فیلم غلامرضا تختی به صورت سیاه‌وسفید به تمام مقاطع زندگی تختی پرداخته و تلاش کرده برخی سوالات بی‌جواب زندگی این اسطوره را جواب دهد. با وجود این که این فیلم در جشنواره فیلم فجر مورد توجه قرار گرفت و در «ارشته نامزد» دریافت جایزه بود اما گیشه قابل قبولی نداشت.



شهید باکری، هادی حجازی‌فر

هادی حجازی‌فر پس از چند سال تجربه بازیگری و تبدیل شدن به یک چهره مشهور در ژانرهای مختلف، برای اولین بار پشت دوربین نشست تا کارگردانی را تجربه کند. او قرار بود سریالی بر مبنای زندگی شهیدان حمید و مهدی باکری بسازد اما در نزدیکی جشنواره جهلم قرار شد از دل این سریال فیلم سینمایی ساخته شود و به نمایش در بیاید. فیلم «موقعیت مهدی» در واقع سه پرده از زندگی، مجاهدت و شهادت شهید حمید باکری و برادرش مهدی است. این فیلم در جشنواره، جایزه بهترین فیلم را گرفت و هنوز هم روی پرده سینماهاست. با وجود نقدهای مثبت زیادی که درباره این فیلم وجود دارد، بسیاری آن را یک اثر موفق دفاع مقدسی نمی‌دانند اما به هر حال جای این نوع پرداخت به شخصیت‌های برجسته جنگ در سینما خالی بود.

